

«زن و مطالعات خانواده»

سال یازدهم - شماره چهل و دوم - زمستان ۱۳۹۷

ص ص: ۱۴۱-۱۵۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۹

## اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر اساس روش لین کلارک بر

### کاهش تعارضات والد-فرزند و اضطراب دختران

دکتر حسن غریبی<sup>۱</sup>

دکتر هیوا محمودی<sup>۲</sup>

دکتر کامل عبدالله نژاد<sup>۳</sup>

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین تاثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر اساس روش لین کلارک بر کاهش تعارضات والد-فرزندی و اضطراب دختران متوسطه دوم بود. روش این پژوهش از نوع نیمه-آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر متوسطه دوم شهرستان قروه در سال تحصیلی ۹۷-۹۶ بودند که مطابق با اعلام اداره آموزش و پرورش شهرستان قروه ۱۲۲۵ نفر بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای ۵۰ دانش‌آموز به عنوان نمونه انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه ۲۵ نفره آزمایش و گواه جایگزین شدند. به‌طوری‌که ابتدا یک پیش‌آزمون تعارض والد-فرزندی و اضطراب از هر دو گروه به عمل آمد. سپس والدین گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر اساس روش لین کلارک دریافت کردند. بعد از آموزش مهارت‌های فرزندپروری دوباره یک پس‌آزمون از گروه‌های آزمایش و کنترل به عمل آمد. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه‌های اضطراب سنج کنترل و تعارض والد-فرزندی اشتراک گردآوری شد و با استفاده از تحلیل کوواریانس چندراهه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر اساس رویکرد لین کلارک بر کاهش تعارض والد-فرزندی و اضطراب دختران متوسطه دوم تاثیرگذار بود. پس می‌توان از آموزش مهارت‌های فرزندپروری به والدین به عنوان شیوه‌ای برای بهبود روابط آنان با فرزندان و بهبود روش‌های تربیتی استفاده کرد.

**واژه‌های کلیدی:** شیوه‌های فرزندپروری، تعارضات والد-فرزندی، اضطراب

<sup>۱</sup>. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، سنج، ایران

<sup>۲</sup>. استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران، نویسنده مسئول. [mahmoudi.hiva@gmail.com](mailto:mahmoudi.hiva@gmail.com)

<sup>۳</sup>. استادیار گروه آمار، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

## مقدمه

تربیت و پرورش فرزندان یکی از دشوارترین و حساس‌ترین مسئولیت‌های والدین محسوب می‌شود. خانواده کانون اصلی پرورش است و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن از کیفیت روابط انسانی آگاهی پیدا می‌کند. رشد عاطفی و سلامت روانی کودک به محیط خانواده او بستگی دارد. ارتباط مؤثر، موجب شکوفایی هویت، کمال انسان و مبانی اولیه پیوند وی با دیگران است؛ این در حالی است که ارتباطات غیرمؤثر، مانع شکوفایی انسان شده و روابط را تخریب می‌کند (کرمی زاده، نظامی، طاهری و منطری، ۱۳۹۳). بنابراین نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان، بر هیچ خردمندی پوشیده نیست و ضرورت آن هم تاکنون مورد تردید قرار نگرفته است، چرا که تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند فرد را به اوج ارزش‌ها برساند (یارمحمدیان، قادری و چاووشی فر، ۱۳۹۰).

افزون بر این باید به خاطر سپرد که والدین با یکدیگر و فرزندانشان به منزله سرچشمه‌های رفاه و حمایت جسمی و روحی متقابل ارتباط دارند، چنان‌که کانت فیلسوف بزرگ آلمانی والدین تربیت شده را سرمشق و الگوی رفتاری فرزندان می‌داند. بدیهی است با تولد فرزند، نیازهای او به طور پیچیده‌ای با نیازهای والدین گره می‌خورد. مشکل یکی، مشکل دیگری نیز می‌باشد، هر چند که والدین مسئول واقعی مراقبت از فرزندان می‌باشند، اما این امر یعنی مراقبت از کودکان شغلی است که نیاز به مهارت کافی دارد، حتی پرتوان‌ترین و قابل‌ترین والدین هم نیاز به کمک و حمایت دارند (بیرامی، ۱۳۸۸). اگر در خانواده تنش بین اعضا برقرار باشد، کودک در یافتن هویت خویش، ایجاد روابط مطلوب با همسالان و دیگران، مقابله صحیح با فشارهای روانی و رشد سالم روانی و رفتاری، دچار مشکل خواهند شد، زیرا محیط خانواده یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت کودک و اولین بذر تکوین رشد فردی و پایه و اساس بنای شخصیت آدمی است و کودک در بیشتر حالات خود، مقلد پدر و مادر و رفتار آن‌هاست (کرمی زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

در این میان شیوه‌های گوناگون فرزندپروری موجب بروز رفتارهای متفاوت در میان کودکان و نوجوانان می‌شود. به بیان دیگر رفتارهای کودکان و نوجوانان به شدت تحت تأثیر شیوه‌های والدین حاکم بر خانواده قرار دارد. والدینی که به‌طور مستمر کودکان و نوجوانان خود را مورد حمایت قرار می‌دهند، با آنان گرم و صمیمی هستند و کنترل منطقی و متعادلی را اعمال می‌کنند. در فرزندان خود اشتیاق ابراز رفتارهای اجتماعی قابل‌قبولی را ایجاد می‌کنند و نیز زمینه مساعد برای بروز توانایی‌ها و قابلیت‌های کودکان و نوجوانان خود را فراهم می‌آورند. این والدین به صورت عقلانی روی فرزندان خود کنترل داشته و با احترام به نظرات آنان به رشد عقلانی آنها کمک می‌کنند (فرخجسته، ۱۳۸۸). برعکس والدین محدودکننده و طردکننده با محدود ساختن شایستگی‌های کودکان خود آنان را از به آزمایش درآوردن توانمندی‌هایشان محروم می‌کنند؛ با گذشت زمان این گروه از کودکان و نوجوانان کم‌کم به این باور می‌رسند که بدون کمک والدین نمی‌توانند با موضوعات و مسائل زندگی به طریق صحیح و مؤثر روبه‌رو شوند. چنین باوری

در آنان، احساس ترس و اضطراب<sup>۱</sup> به وجود می‌آورد. والدینی که مقررات سخت و انعطاف ناپذیر وضع می‌کنند، اگرچه کودکان خوب کنترل شده‌ای را تربیت می‌کنند، اما زمینه مناسب برای رشد کودکان و نوجوانان سلطه‌پذیر، وابسته یا سرکش را نیز فراهم می‌آورند. فقدان گرمی، صمیمیت حمایت والدینی توأم با کنترل قهرآمیز و یا فقدان کنترل، به رفتارهای مشکل آفرین منجر می‌شود (کرمی، ۱۳۹۲).

شیوه‌های تربیتی والدین نقش مهمی در رشد و نمو روانی- اجتماعی نوجوانان، ارتباطات خانوادگی، موفقیت‌های تحصیلی، توانایی تصمیم‌گیری و اعتماد به نفس آنان ایفاء می‌نماید (بورتون، فیپس و کارتون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). امروزه در اکثر کشورهای توسعه‌یافته بر روی مراقبت و حمایت از کودکان نظارت‌های ویژه‌ای صورت می‌گیرد و برای رفاه و آسایش والدین به منظور کمک به کودکان توجه خاصی مبذول می‌شود (پیکنر و لامت<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). برای موفقیت در امر تربیت باید والدین به مهارت‌هایی از جمله مهارت فنی (دانش کافی و به روز)، مهارت انسانی (توانایی برقراری ارتباط مطلوب با آنان) و مهارت ادراکی (درک درست از مسائل و مشکلات) مسلط باشند (گلرین و آلانسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲).

از عوامل خطر ساز در دوره نوجوانی تعارض<sup>۵</sup> بین والدین و نوجوان است که نوجوان را به سوی دوستی با همسالان منحرف سوق می‌دهد (بوهلر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶). مشخص شده است که تعارض والد نوجوان یک عامل بسیار مهم در رشد بزهکاری نوجوان است (ریسچ، جکسون و چانگ هونگ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳). به علاوه تحقیق نشان داده است که روابط آزارنده نوجوان و مخصوصاً سطوح بالای تعارض والد نوجوان حوزه‌ای از مشکلات روانی- اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند که شامل سوء مصرف مواد مخدر و الکل، بزهکاری و روابط جنسی قبل از ازدواج است (جنکینز<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷). کانون خانواده‌هایی که بر اثر تعارض و جدال بین اعضای آن آشفته است، محیط امن روان که در خانواده باید وجود داشته باشد را از اعضای آن می‌گیرد و باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای اعضای آن می‌گردد. تعارض به وجود آمده در بین اعضای خانواده اگر به طریقه درستی با آن برخورد شود به رشد رابطه کمک می‌کند، ولی اگر طرفین درگیر در تعارض، نحوه برخورد با تعارض را ندانند، تعارض موجود نه تنها رفع نخواهد شد، بلکه به تداوم رابطه هم آسیب می‌رساند (مرادی و ثنایی ذاکر، ۱۳۸۵).

- 
1. Fear & anxiety
  2. Burton, Phipps & Gurtis
  3. Pckienner & Lamet
  4. Gallarin & Alonso
  5. conflict
  6. Buehler
  7. Rieesch, Jacson, & Chanchong
  8. Jenkins

واژه تعارض به ناتوانی در حل تفاوت‌ها اشاره داشته و بیشتر با تنش، خصومت و پرخاشگری همراه است (گیتی پسند، آرین و کرمی، ۱۳۸۷). تعارض حالت یا کنشی است که در معارضه بین افکار، منافع یا اشخاصی گوناگون رخ می‌دهد (آلیسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). تعارض والد-فرزند یکی از مشکلات اساسی خانواده‌های دارای فرزند نوجوان می‌باشد. دوران نوجوانی هم از نظر نوجوانان و هم از نظر والدین، دورانی دشوارتر از سال‌های کودکی قلمداد می‌شود (کرمی، ۱۳۹۲). پس با توجه به اینکه تعارض امری اجتناب‌ناپذیر در روابط خانوادگی محسوب می‌شود و نتایج نشان می‌دهند درگیری و خشونت بین اعضای خانواده خطر ابتلاء فرزندان به بسیاری از مشکلات رفتاری و افسردگی را در آینده افزایش می‌دهد. به کارگیری شیوه‌های موثر و کارآمد جهت حل آن ضروری است (هررینکول، کسترمان و هاوکینز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). یکه فلاح، ملکی، پارسانیا و قره داغی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تاثیر آموزش والدین بر حل مسئله، حل تعارض، سبک‌های فرزندپروری و ارتباط والد-فرزند به این نتیجه دست یافتند که آموزش خانواده بر حل مسئله، حل تعارض و تمامی سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه، قاطعانه اثرگذار است. هاشمی و امیری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تاثیر آموزش رفتاری والدین بر بهبود رابطه والد-کودک و شیوه‌های فرزندپروری نشان دادند آموزش رفتاری موجب بهبود رابطه والد-کودک، تقویت سبک فرزندپروری مقتدرانه و تضعیف سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه در مادران گروه آزمایش شد و همچنین آموزش رفتاری در بهبود رابطه والد-کودک و همچنین در تغییر سبک‌های فرزندپروری مادران موثر است. دارابی، امامیان، کاشفی و گزلایی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری و راهبردهای حل تعارض بین والد و نوجوان دارای یک والد معتاد به این نتیجه رسیدند که آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر راهبردهای حل تعارض بین والد و نوجوان دارای یک والد معتاد معنادار است. توسایت و فورگنسن<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان تعارض والدین، کیفیت رابطه ولی - فرزندی و سازگاری در نوجوانان مسیحی نشان دادند که تعارض بین والدین با کیفیت ارتباط ولی - فرزندی دارای رابطه معنادار است. ساندرز، متیو، مارکی - دادسان، کارن و ترنر<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) در پژوهشی برنامه فرزندپروری منحصر به فرد و حمایت از خانواده را برای کاهش شیوع مشکلات رفتاری کودکان طراحی کردند و نتایج نشان داد که آموزش به والدین می‌تواند بر کاهش شیوع مشکلات رفتاری در کودکان موثر واقع شود. امری، فینچام و بودن<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) در تحقیقی نشان دادند که آموزش شیوه فرزندپروری بر روی کاهش تعارض والد - فرزند کارآمد بود. واکیمیزو، فوجی اوکا، لچیمما و میاموتو<sup>۶</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش مداخله بر شیوه‌های فرزندپروری بر روی والدین ۵۴ کودک ژاپنی دارای مشکلات عاطفی و رفتاری نشان دادند که مداخله بر خانواده‌های

1. Allison
2. Herrenkohl, Kosterman & Hawkins
3. Toussaint, Loren., & forgensen, Kimble iy M
4. Sanders, M. R. Matthew, Carol Markie-Daddsand. KarenM. T. turner
5. Emery, R. E., Fincham, F. D., & Cummings
6. Wakimizu, R., Fujioka, H., Iejima, A., & Miyamoto, S

این کودکان منجر به کاهش در مشکلات رفتاری، تغییرات در شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد و اثرات مثبت ترویج شیوه صحیح فرزندپروری در کودکان شده است. در پژوهش دیگری وایتینگهام، ساندرز، مک کینلی و بوید<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) ۶۷ والد دارای پسر ۳ تا ۶ ساله با مشکلات رفتاری و عاطفی را ۶ ماه آموزش دادند، نتایج نشان داد آموزش شیوه‌های فرزندپروری منجر به کاهش مشکلات رفتاری و عاطفی در این کودکان شد.

با توجه به روشن بودن نقش مؤثر والدین در تعامل با فرزندان و شکل‌گیری شخصیت آنان که گاه به دلیل اختلاف در ارزش‌ها به تعارض می‌انجامد، چنین به نظر می‌رسد که آموزش والدین برای استفاده از راهبرد استدلال به جای پرخاشگری کلامی و بدنی، می‌تواند در بهبود روابط و حل تعارض با فرزندان مؤثر باشد که این خود گامی است در جهت داشتن خانواده و جامعه‌ای سالم‌تر. با توجه به اینکه خانواده پایه و اساس تشکیل یک جامعه است و به علت اهمیت نقش سازنده خانواده در پرورش فرزندان و به وجود آمدن یک جامعه سالم و از آنجا که بسیاری از روان‌شناسان و پژوهشگران صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش‌های متقابل میان فرزندان و والدین را اساس رشد عاطفی و شناختی کودک قلمداد می‌کنند، نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین و اهمیت آن مشخص می‌شود (لواسانی، ۱۳۸۲).

مطالعاتی که در دهه‌های اخیر انجام گرفته، نشان می‌دهد روز به روز بر تعداد نوجوانانی که نشانه‌های آسیب‌شناسی رفتاری یا هیجانی را در خویش حمل می‌کنند، افزوده می‌شود (زوانسویک<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). بویژه، اضطراب از جمله مسایلی هستند که در سال‌های نوجوانی گریبان بسیاری از افراد را می‌گیرد (سامانی و جوکار، ۱۳۸۶). اضطراب پاسخی ضروری به تنیدگی است که فرد را به هنگام مواجهه با خطر، برای کنش و واکنش آماده می‌سازد. در بسیاری از مواقع، چنین پاسخی منطقی و حتی حیاتی است. اما حالت نابهنجار آن می‌تواند برگستره وسیعی از عملکردهای آدمی اثر بگذارد (سانتراک، ۲۰۰۰).

شیوه‌های فرزندپروری به سبب تاثیراتی که بر کودک و رشد او دارد همواره مورد نظر محققان بوده است. در پنجاه سال گذشته تحقیقات فراوانی نشان داده‌اند که سبک‌های تربیتی تاثیرات مهم و اثربخشی بر رشد ذهنی و فکری کودکان و نوجوانان دارد (پریش و مک‌لاسکی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲). شیوه مورد استفاده والدین برای ایجاد ارتباط با فرزند و آموختن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، فرزندپروری نامیده می‌شود. خانواده و شیوه‌های فرزندپروری، از مهمترین عوامل در رشد روانی-اجتماعی فرزندان هستند (گالارین و آلونسو<sup>۴</sup>،

- 
1. Whittingham, K., Sanders, M., McKinlay, L & Boyd, R.N
  2. Zwaanswijk
  3. Parish & Mcclusky
  4. Gallarin & Alonso

۲۰۱۲). بامریند<sup>۱</sup> (۱۹۹۱)، مدل‌هایی در مورد رفتار والدین با فرزندان ارائه کرده است. بامریند (۱۹۹۱) سه شیوه فرزندپروری را شناسایی کرد: استبدادی، اقتداری و سهل‌گیر. والدینی که از شیوه استبدادی استفاده می‌کنند برای کنترل خود بر روی کودکان، اختیارات آنها را محدود می‌کنند، کنترل شدیدی اعمال می‌نمایند و به جای کودکان تصمیم می‌گیرند. والدینی که کودکان خود را به صورت متعادل کنترل می‌کنند و همچنین با گرمی پذیرای آنها هستند در طبقه مقتدرانه قرار گرفته‌اند. والدین سهل‌گیر کودکان خود را به خودمختاری تشویق می‌کنند و آنها را قادر می‌سازند تا خودشان تصمیم بگیرند و فعالیت‌های خود را کنترل کنند اما توجهی ندارند که فرزندان بر آنها حاکم شوند (اوربوک و هیو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). در این زمینه تحقیق ولفرت و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) بر روی ۲۷۶ نوجوان دبیرستانی نشان داد که بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با اضطراب، افسردگی و سازگاری نوجوانان همبستگی مثبتی وجود دارد و نوجوانان دارای والدین با سبک استبدادی نمرات بیشتری در آزمون اضطراب و افسردگی کسب کردند. مک‌گین و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) در رابطه بین سبک‌های پرورش والدین، سبک‌های شناختی، افسردگی و اضطراب نشان دادند که بین سبک‌های والدین و اضطراب و افسردگی کودکان رابطه معناداری وجود دارد. طبق نتایج به دست آمده از پژوهش اوربیک، هیو (۲۰۰۷) فقدان مراقبت والدین و بیش‌حمایتی آنها ارتباط معناداری با اضطراب اجتماعی دارد، به علاوه نتایج این مطالعات نشان داد که فقدان مراقبت مادران و پدران و بیش‌حمایتی آنها به‌طور معناداری با شیوع و وقوع چندین اختلال روانی همراه شده است. کوهن و همکارانش<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان منبع کنترل، سبک والدین درک شده و اضطراب در کودکان به این نتیجه دست یافتند که بین تجربه والدین، محیط خانواده و سبک آزادمنشانه والدین با کاهش اضطراب دانش‌آموزان ارتباط معناداری وجود دارد. نگریوس و میلر<sup>۶</sup> (۲۰۱۴) در تحقیق خود تحت عنوان نقش والدین در اضطراب دوران کودکی: عوامل زمینه‌ای و روش‌های درمان آن به این نتیجه رسیدند که اضطراب کودکان باید در همان سال‌های اولیه درمان گردد. یکی از روش‌هایی که آنان ارائه دادند، روش شیوه‌های فرزندپروری والدین بوده است که تاثیر زیادی بر اضطراب کودکان دارد. میهالوپوس، ووس، رپی و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۱۵) به اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری برای جلوگیری از اختلالات اضطرابی کودکان پرداخته‌اند. پیشگیری و مداخلات به موقع برای اختلالات اضطرابی فرزندان امری ضروری است. نتایج حاکی از آن است که آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر اضطراب فرزندان اثرگذار بوده است و باعث کاهش آن شده است. مورگان، ریپا، سلیم و

1. Baumrind
2. Overbeek & Have
3. Volfradt, U., Hampel, S., & Miles J.N
4. McGinn, L. K., Cukor, D., & Sanderson, W. C
5. Cohen, E., Biran, G., Aran, A., & Gross.Tsur, V
6. Negreiros & Miller
7. Mihalopoulos, Vos, Rapee, Pirkis, Chatterton, Lee & Carter

همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) به بررسی اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر کاهش اضطراب دختران پرداخته‌اند. این برنامه در شش جلسه گروهی توسط روان‌شناسان متخصص بر والدین کودکان ۶ ساله صورت گرفت. نتایج نشان داد که این آموزش بر اضطراب دختران اثرگذار بوده است. بر اساس یافته‌ها میانگین اضطراب افراد نمونه در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون کاهش یافته است. همچنین وان دورن، جنسن و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) به این نتیجه رسیدند که آموزش شیوه‌های فرزندپروری روی والدین می‌تواند بر اضطراب دختران و پسران اثرگذار باشد. نتایج نشان می‌دهد که آموزش شیوه‌های فرزندپروری باید بعد از ازدواج و بعد از تولد اولین فرزند بر والدین مداخله گردد.

با توجه به نقش شیوه‌های فرزندپروری در شکل‌گیری ویژگی‌های روان‌شناختی و رفتاری کودکان این پژوهش به این فرضیه پرداخته است که آموزش فرزندپروری بر کاهش تعارضات والد فرزند و اضطراب دختران متوسطه دوم تاثیر دارد.

### روش شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ شیوه اجرا نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم شهرستان قروه در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ بودند (N=۱۲۲۵) که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای-تصادفی ۵۰ دانش‌آموز به صورت خوشه‌ای انتخاب شدند، بدین صورت که از بین دبیرستان‌های متوسطه دوم شهرستان قروه به طور تصادفی دو دبیرستان و از هر کدام از این دبیرستان‌ها یک کلاس ۲۵ نفری به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب در دو گروه ۲۵ نفره آزمایش و گواه جایگزین شدند. معیارهای ورود شامل ۱- دامنه سنی ۱۵-۱۸ سال برای دانش‌آموزان (لازم به ذکر است که اولیا مورد آموزش قرار گرفتند) ۲- تمایل به همکاری و حل مشکل ۳- نداشتن اختلال آشکار دیگر مثل افسردگی اساسی، وابستگی به مواد، بودند. همچنین در این پژوهش به منظور جانبداری از حقوق آزمودنی‌ها و حفظ حریم خصوصی و انسانی آنها ملاحظات زیر صورت گرفت: ۱- آزمودنی‌ها به صورت داوطلب در پژوهش شرکت کردند و هیچ اجباری برای شرکت در پژوهش بر روی آزمودنی‌ها وجود نداشت، ۲- از آزمودنی‌ها رضایت‌نامه کتبی گرفته شد، ۳- اطلاعات آزمودنی‌ها به صورت محرمانه حفظ شد و ۴- بعد از اجرای آموزش گروه آزمایش و انجام پس‌آزمون، گروه کنترل هم در معرض همان آموزش قرار گرفت.

1. Morgan, A. J., Rapee, R. M., Salim, A., Goharpey, N., Tamir, E., McLellan, L. F., & Bayer

2. van Doorn, M. E. M., Jansen, M., Bodden, D. H. M., Lichtwarck-Aschoff, A., & Granic

## ابزار

**الف) پرسشنامه اضطراب سنج کتل:** این پرسشنامه در سال ۱۹۵۷ توسط کتل در ۴۰ سوال ۳ گزینه‌ای (بله، گاهی، خیر) تدوین شد که آزمودنی می‌تواند طی مدت حدود ۱۰ دقیقه به آن پاسخ دهند. این آزمون را می‌توان در هر دو جنس (زن و مرد) و در همه سنین بعد از ۱۴ سالگی و در بیشتر فرهنگ‌ها به کار برد. آزمون اضطراب کتل به منظور اندازه‌گیری اضطراب در سطح ۵ عامل شخصیت تهیه شده است. ۵ عامل مقیاس اضطراب عبارتند از (O) گرایش به گناهکاری، (Q4) تنش ارگی، (Q3) فقدان توحدیافتگی، (C) ضعف من، (L) نایمنی پارانویایی. افزون بر این مواد مقیاس به شیوه‌ای تنظیم شده‌اند که تمایز بین اضطراب پنهان (مواد ۱ تا ۲۰) و اضطراب آشکار یا نشانه‌ای (مواد ۲۱ تا ۴۰) را ممکن می‌سازد. روش نمره‌گذاری این آزمون بدین صورت است که پاسخ‌ها با مراجعه به فهرست نمره‌گذاری یا براساس پنجره تصحیح، نمره‌گذاری می‌شوند. ابتدا مجموع ۲۰ پرسش اول (۱ تا ۲۰) و ۲۰ پرسش بعدی (۲۱ تا ۴۰) را به‌طور جداگانه‌ای مشخص نموده، سپس جمع کل نمره‌ها به دست می‌آید. در مرحله بعد نمره‌های خام ۲۰ پرسش اول، ۲۰ پرسش بعدی و جمع کل با مقدار هنجارگزینی، به ترتیب به نمره‌های تراز شده اضطراب پنهان، اضطراب آشکار و اضطراب عمومی تبدیل می‌شود. پایایی این پرسشنامه در تحقیقات قاضی عسگر (۲۰۰۸) ۸۲ درصد گزارش شد. همتی (۱۳۸۶) در تحقیق بر روی دانشجویان روانی این آزمون را ۸۹ درصد گزارش کرد.

**ب) مقیاس راهبردهای تعارض:** ابزار دیگر سنجش در این پژوهش پرسشنامه راهبردهای تعارض بین والدین و فرزندان اشتراس است. این پرسشنامه دارای ۱۵ سؤال است که سه راهبرد حل تعارض: استدلال<sup>۱</sup>، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری فیزیکی<sup>۲</sup> را می‌سنجد و توسط موری ای. اشتراس<sup>۳</sup> تهیه شده است. این مقیاس دارای ۳ فرم است: تعارض با برادر یا خواهر، تعارض با والدین و تعارض با پدر و مادر. سؤال‌های پرسشنامه دارای پنج درجه از خیلی کم تا خیلی زیاد هستند. در فرم تعارض با والدین پنج سؤال اول پرسشنامه، استدلال؛ پنج سؤال دوم، پرخاشگری کلامی و پنج سؤال سوم پرسشنامه، پرخاشگری فیزیکی را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم-۱، کم-۲، تقریباً-۳، زیاد-۴، خیلی زیاد-۵) می‌سنجد. نمره کل نیز به سطح تعارضات موجود اشاره دارد. نمره بالا در این مقیاس نشان دهنده تعارض و استفاده کمتر از راهبردهای استدلال می‌باشد. سوالات مقیاس‌های پرخاشگری کلامی و فیزیکی به صورت مستقیم نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالا در این مقیاس نشان دهنده تعارض و استفاده بیشتر از راهبردهای پرخاشگری کلامی و فیزیکی می‌باشد. دامنه نمرات هر یک از خرده مقیاس‌ها بین ۵ تا ۲۵ می‌باشد. نمره ۵ نشان دهنده

1. reasoning
2. verbal aggression & violence
3. Eshteras

عدم تعارض در رابطه و نمره ۲۵ نشان‌دهنده بیشترین تعارض می‌باشد. دامنه نمرات برای کل آزمون بین ۱۵ تا ۷۵ می‌باشد. که نمره ۱۵ نشان‌دهنده عدم تعارض و نمره ۷۵ نشان‌دهنده وخیم بودن رابطه است (ثنایی، ۱۳۷۹). روایی و پایایی آزمون راهبردهای تعارض: مرادی (۱۳۸۴) اعتبار مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۲ برای کل آزمون و برای خرده مقیاس‌های استدلال ۰/۶۱؛ پرخاشگری کلامی ۰/۶۹ و پرخاشگری فیزیکی ۰/۷۶ گزارش داده است. هم‌چنین مرادی (۱۳۸۴) روایی صوری این مقیاس را با استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور، هم‌چنین دانشجویان دکترای مشاوره مورد سنجش قرار داده، که روا بودن آن را تایید کردند. دامنه ضریب آلفای کرونباخ مقیاس استدلال بین ۴۲٪ تا ۷۶٪، مقیاس پرخاشگری کلامی بین ۶۲٪ تا ۸۸٪ و برای خرده مقیاس پرخاشگری فیزیکی بین ۴۲٪ تا ۹۶٪ به دست آمده است (ثنایی، ۱۳۷۹). پایایی پرسشنامه برای کل آزمون ۰/۷۴، برای خرده مقیاس استدلال ۰/۵۸، برای پرخاشگری کلامی ۰/۶۵، برای پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۲، به دست آورده است (زابلی، ۱۳۸۳). برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل کوواریانس چند راهه (MANCOVA) در نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ استفاده شد.

## روش اجرا

پس از اخذ مجورهای لازم و با در جریان قراردادن دانش‌آموزان و والدین آنها از هدف انجام پژوهش، طی فرآیند پژوهش ابتدا یک پیش‌آزمون اضطراب و راهبردهای تعارض از هر دو گروه آزمایش و کنترل به عمل آمد و هم‌چنین بعد از مداخله آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر اساس روش لین کلارک دوباره یک پس‌آزمون از گروه آزمایش و کنترل به عمل آمد و سپس مقایسه شدند. خلاصه جلسات آموزش شیوه‌های فرزندپروری به شرح ذیل بود:

جلسات آموزش شیوه‌های فرزندپروری با رویکرد لین کلارک (SOS کمک برای والدین) (کلارک، ۱۹۳۸).

جلسه اول: خوش آمدگویی و معارفه اعضا با یکدیگر -تعیین اهداف بر گزاری جلسات برای اعضای گروه و بستن قرارداد گروهی- اهمیت تعلیم و تربیت فرزندان و نقش والدین.

جلسه دوم: تعریف فرزندپروری و آشنایی با آن - آشنایی با انواع شیوه‌های فرزندپروری و توضیح ویژگی‌های هر یک از آنها.

جلسه سوم: مرور مباحث جلسه قبل و پاسخ‌گویی به سوالات - بیان قوانین فرزندپروری - خطاهایی که در فرزندپروری باید از آن‌ها اجتناب کرد.

جلسه چهارم: چگونه می‌توانیم پدر و مادری شایسته باشیم - آشنایی با اصول صحیح فرزندپروری (مانند داشتن انتظار همکاری، برقراری ارتباط با کودک، شنونده شایسته با فرزندان، انضباط معقول بود و ثابت قدم بودن، توجه مثبت نامشروط به کودک داشتن و آموزش مهارت «نادیده‌گرفتن» رفتارهای ناپسند کودک».

جلسه پنجم: مرور مباحث جلسه قبل و پاسخ‌گویی به سوالات - راه‌های افزایش رفتار خوب - پاداش‌هایی که کودکان دوست دارند.

جلسه ششم: چگونه دستورات موثر بدهیم - روش‌های عمده برای متوقف ساختن رفتار بد - مدیریت رفتار بد خارج از خانه - استفاده از امتیازات، ژتون و قرارداد.

جلسه هفتم: مرور مباحث جلسه قبل و پاسخ‌گویی به سوالات - کمک به کودک برای بیان احساسات - مدیریت برخورد با رفتار پرخاشگرانه و خطرناک.

جلسه هشتم: بیان لزوم تلفیق مهارت‌های آموزش داده شده به منظور مدیریت رفتارهای کودک و نیز چگونگی تحلیل و مواجهه با موقعیت‌های مشکل‌زا نظیر: قشقرق به پا کردن، پرخاشگری، گوشه‌گیری، مشکل در لباس پوشیدن و غذا خوردن، دروغ‌گویی و جمع بندی و نتیجه‌گیری.

### یافته‌ها

نتایج جدول ۱ شاخص‌های توصیفی اضطراب و تعارضات والد-فرزندی را به تفکیک گروه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌کنید میانگین اضطراب در پیش و پس آزمون گروه آزمایش برابر با ۱۰۳/۰۰ و ۵۵/۹۶ و در گروه کنترل برابر با ۱۰۲/۲۴ و ۱۰۰/۰۸ می‌باشد. همچنین میانگین پیش و پس آزمون گروه آزمایش در تعارضات والد-فرزندی کل برابر با ۶۵/۴۰ و ۲۵/۴۸ و در گروه کنترل ۶۳/۳۲ و ۶۲/۱۱ است. همچنین میانگین استدلال در گروه آزمایش افزایش و میانگین پرخاشگری کلامی و فیزیکی نسبت به گروه کنترل کاهش یافته است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی پیش‌آزمون و پس‌آزمون اضطراب و تعارضات والد-فرزندی در دانش‌آموزان

متغیر	گروه آزمایش		گروه کنترل	
	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
	میانگین	انحراف	میانگین	انحراف
	معیار	معیار	معیار	معیار
اضطراب	۱۰۳/۰۰	۱۴/۳۹	۱۰۲/۳۴	۱۷/۷۵
استدلال کلامی	۸/۱۰	۳/۷۰	۷/۱۱	۳/۴۰
پرخاشگری کلامی	۱۱/۳۲	۳/۳۶	۱۵/۱۱	۳/۸۰
پرخاشگری فیزیکی	۹/۶۳	۳/۱۱	۷/۹۰	۲/۸۶
تعارض والد-فرزندی	۶۵/۴۰	۸/۶۰	۷/۰۹	۶۳/۳۲

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) استفاده شد.

جدول ۲: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیرها	مقدار آزمون	سطح معناداری
اضطراب	۰/۵۸	۰/۷۸
استدلال کلامی	۰/۶۴	۰/۰۹
پرخاشگری کلامی	۰/۸۷	۰/۰۷
پرخاشگری فیزیکی	۰/۵۱	۰/۱۱
تعارض والد-فرزندی کل	۰/۴۷	۰/۸۳

جدول ۳: بررسی شیب رگرسیونی متغیرهای پژوهش

خرده‌مقیاس	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
اضطراب	پیش‌آزمون	۶۷/۴۵	۱	۶۷/۴۵	۱/۰۹	۰/۰۹
استدلال کلامی	پیش‌آزمون	۴/۰۶	۱	۴/۰۶	۱/۰۵	۰/۹۳
پرخاشگری فیزیکی	پیش‌آزمون	۵/۰۸	۱	۵/۰۸	۲/۱۱	۰/۳۴
پرخاشگری کلامی	پیش‌آزمون	۳/۰۵	۱	۳/۰۵	۱/۱۲	۰/۲۱
تعارض والد-فرزندی کل	پیش‌آزمون	۱۳/۵۶	۱	۱۳/۵۶	۵/۰۸	۰/۱۱

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری بالای ۰/۰۵ متغیرها همگنی شیب رگرسیون متغیرها محقق شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون لوین جهت همسانی واریانس‌ها

سطح معناداری	F	درجات آزادی ۲	درجات آزادی ۱	متغیر
۰/۰۸	۱۳/۵۶	۴۸	۱	اضطراب
۰/۴۵	۴/۶۷	۴۸	۱	استدلال کلامی
۰/۱۳	۳/۷۹	۴۸	۱	پرخاشگری کلامی
۰/۴۰	۳/۵۰	۴۸	۱	پرخاشگری فیزیکی
۰/۲۴	۱۷/۱۲	۴۸	۱	تعارض والد-فرزندی
				کل

طبق نتایج جدول ۴، پیش فرض برابری واریانس‌ها برای همه متغیرهای وابسته تایید شده است. لذا می‌توان از آزمون مانکوا استفاده نمود.

جدول ۵: نتایج کوواریانس چندمتغیره اضطراب، استدلال کلامی، پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی و تعارض والد-فرزندی کل در دانش آموزان گروه آزمایش و کنترل

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	خرده مقیاس
۰/۰۰۱	۱۰۶/۴۸	۲۷۹۰۴/۸۵	۱	۲۷۹۰۴/۸۵	اضطراب
۰/۰۰۱	۱۴/۱۵	۳۴۰/۶۷	۱	۳۴۰/۶۷	استدلال کلامی
۰/۰۰۱	۹/۰۸	۴۱/۱۶	۱	۴۶/۱۶	پرخاشگری فیزیکی
۰/۰۰۱	۶/۷۷	۲۱/۲۷	۱	۲۲/۲۷	پرخاشگری کلامی
۰/۰۰۱	۲۹/۷۱	۲۹۰۴/۲۶	۱	۲۹۰۴/۲۶	تعارض والد-فرزندی
					کل

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که فرضیه آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر کاهش اضطراب و تعارضات والد فرزند و مولفه‌های آن موثر بوده است. این فرضیه با توجه به سطح معناداری مورد تایید قرار گرفت. در نتیجه می‌توان گفت که عامل مداخله باعث ایجاد تفاوت در متغیر اضطراب، تعارض والد-فرزند و مولفه‌های استدلال کلامی، پرخاشگری فیزیکی و پرخاشگری کلامی در بین دو گروه آزمایش و کنترل شده است.

### بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تعیین تاثیر آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر اساس روش لین کلارک بر کاهش تعارضات والد-فرزندی و اضطراب دختران متوسطه انجام شد. یافته‌ها نشان داد که آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر اساس روش لین کلارک توانسته است در گروه آزمایش باعث کاهش تعارض والد-فرزندی شود. این یافته با یافته‌های (یکه فلاح، ملکی، پارسا و قره داغی، ۱۳۹۵؛ هاشمی و امیری (۱۳۹۵)؛ دارابی، امامیان، کاشفی و گزلائی، ۱۳۹۶؛ واکیمیزو، فوجی اوکا، لجمیا و میاموتو، ۲۰۱۴؛ وایتینگهام، ساندرز، مک کینلی و بوید، ۲۰۱۴) همخوانی دارد. چرا که به این نتیجه دست یافتند، آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر راهبردهای حل تعارض با فرزندان تاثیر معناداری دارد، به طوری که آموزش شیوه‌های فرزندپروری سبب بهره‌گیری بیشتر والدین از راهبردهای حل تعارض استدلال و بهره‌گیری کمتر از راهبردهای حل تعارض پرخاشگری کلامی و فیزیکی می‌شود.

در تبیین این یافته‌ها باید اشاره کرد که هنگامی که والدین، از فرزندان خود انتظار رفتار عاقلانه داشته باشند، آنان را تشویق کنند که مسائل‌شان را خودشان حل کنند، با منطق با آنها گفتگو کرده و با استدلال آنان را به نظم دعوت کنند، می‌توانند انگیزش پیشرفت را در آنان تشویق نمایند و کمتر کسی است که نداند محیط خانوادگی آشفته و پرتعارض باعث از بین رفتن تعادل روانی کودک شده و بر پیشرفت تحصیلی و انگیزه پیشرفت کودک تاثیر مخرب خواهد گذاشت (توزنده جانی و میرزایی، ۱۳۹۰). آموزش برای یک والد خوب بودن، حل تعارض بدون استفاده از پرخاشگری کلامی و آگاهی از شیوه‌های درست تربیتی، برطرف شدن مشکلات رفتاری والدین و در نهایت رفع ضعف در مهارت فرزندپروری، لازم و ضروری است. از آنجا که خانواده و والدین به عنوان سیستم مهمی در پیشرفت فرزندان در نظر گرفته شده‌اند، پژوهش‌های زیادی نشان داده است که رفتارهای فرزندپروری به عنوان متغیرهای مهمی هستند که در انگیزه پیشرفت، خودباوری و ایجاد خودپنداره مثبت در کودکان و نوجوانان سهیم‌اند و رفتارهای نامناسب فرزندپروری، تعارضات مخرب و پرخاشگری‌های کلامی در ارتباط بین طرفین آثار زیانباری را برای مدت طولانی بر جای خواهد گذاشت (کسکین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). نتایج همه پژوهش‌های فوق مؤید این امر است که انتخاب راهبرد حل تعارض در سلامت روان افراد مؤثر بوده و مشکلات رفتاری والدین و ضعف آنها در مهارت فرزندپروری و ارتباط ناآگاهانه و پرخاشگرانه با فرزندان‌شان باعث بروز مشکلات فراوان شده و سلامت روان افراد درگیر را به خطر می‌اندازد. در این میان، آموزش و آگاهی دادن به والدین، بیشترین تاثیر را در بهبود روابط والد - فرزند داشته است. زیرا، فرزندپروری یک رفتار فردی خاص نیست بلکه مجموعه مهارت‌هایی است که کاملاً تحت تاثیر نگرش، آموزش و تمرین است و همچنین والدین با شرکت در کلاس‌های آموزش شیوه‌های فرزندپروری، نگرش مثبتی نسبت به رفتارهای فرزندان خود پیدا کرده و از راهبردهای منطقی برای حل تعارض استفاده می‌نمایند و راهبرد استدلال منطقی را به راهبرد پرخاشگری کلامی و بدنی

ترجیح می‌دهند. بنابراین می‌توان به اثر بخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری به والدین بر انتخاب راهبرد مناسب حل تعارض توسط آنان امیدوار بود.

همچنین براساس یافته‌های این پژوهش آموزش شیوه‌های فرزندپروری بر اساس روش لین کلارک توانسته است در گروه آزمایش باعث کاهش اضطراب دختران شود که با یافته‌های (کوهن و همکارانش) (۲۰۰۸)؛ نگرپوس و میلر (۲۰۱۴)؛ میهالوپوس، ووس، رپی و همکاران (۲۰۱۵) و مورگان، رپا، سلیم و همکاران (۲۰۱۷) همخوان است. در نتیجه می‌توان گفت که عامل مداخله باعث ایجاد تفاوت در متغیر اضطراب در بین دو گروه آزمایش و کنترل شده است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که آموزش شیوه‌های فرزندپروری توانسته است در گروه آزمایش باعث کاهش اضطراب فرزندان شود.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که توانمندسازی تربیتی والدین به مهارت‌های والدینی، آشنایی آن‌ها با تأثیراتی که شیوه‌های فرزندپروری می‌تواند بر رفتارهای فرزند آنها داشته باشد، نقش پر رنگ والدین، و کاهش تنش‌هایی که ممکن است بین والدین و فرزندان رخ دهد و افزایش اعتماد به نفس در خود والدین و همه این موارد می‌تواند باعث کاهش مشکلات هیجانی و رفتاری در فرزندان شود. و با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که آموزش و آگاهی والدین از نحوه برخورد صحیح با کودک خود و کسب آگاهی از مؤثرترین شیوه‌های فرزندپروری (روش مقتدرانه) و برخورد مناسب با کودک نه تنها می‌تواند مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان را کاهش دهد؛ بلکه در اثر آرامش روان آن‌ها، فرصت بهتری برای رشد و یادگیری در اختیارشان قرار خواهد گرفت. از آنجاکه برای برقراری و اجرای اصول تربیتی، هر دو والد نقش مؤثری را ایفا می‌کنند، شرکت هر دو والد موفقیت این برنامه آموزشی را تضمین می‌کند (یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۹۰). از این رو والدین باید به شیوه‌های مؤثر و اثربخش توجه داشته باشند و با تجدیدنظر مستمر در تجربه‌های تربیتی خود شیوه‌های معیوب فرزندپروری را ترک کنند و به شیوه‌های فرزندپروری مؤثر و کارآمدتر روی آورند. چرا که اگر شیوه‌های تربیتی والدین اصلاح شوند، مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان نیز اصلاح خواهد شد؛ بنابراین آموزش‌های لازم در این زمینه بیش از پیش ضروری احساس می‌شود.

با توجه به اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری در این پژوهش، پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی در زمینه شیوه‌های فرزندپروری برای معلمان، مشاوران در مدارس اجرا شود. و دوره‌های آموزشی کاربردی راهبردهای حل تعارض و کنترل اضطراب برای دانش‌آموزان در مدارس، در رده‌های مختلف سنی انجام پذیرد و از آموزش شیوه‌های فرزندپروری به عنوان یک راهبرد آموزشی-درمانی جهت کاهش تعارض والد-فرزندی و اضطراب دختران در جهت ارتقای کیفیت زندگی دختران استفاده شود.

### References

- Allison, Barbara. N. (2004), Parent- adolescent conflict in early adolescence. **Journal Article excerpt**: vol. 39.
- Bairami, M. (2009). **The Effect of Teaching Parenting Skills on Mothers of Schoolchildren with Extravagant Disorders on Mental Health and their Educational Methods**, Master's Degree in Psychology, Allameh Tabatabaei University. [In Persian]
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. **Journal of Early Adolescence** ,11,56-95.
- Buehler, C. (2006). Parents and peers in relation to early adolescent problem behavior. **Journal of Marriage and Family**. 68, 109-125.
- Burton, P. Phipps, S. Gurtis, P. (2011), all in the family: A Simultaneous model of parenting style and child conduct. **Journal of abnormal child, Psychology**, 92, 2, 368-373.
- Cohen, E., Biran, G., Aran, A., & Gross-Tsur, V. (2008). Locus of control, perceived parenting style, and anxiety in children with cerebral palsy. **Journal of developmental and physical disabilities**, 20(5), 415.
- Darabi, Z. Emami, H. Kashifi, T. & Geslani, R. (2017). **Effectiveness of teaching parenting styles on parenting style and conflict resolution strategies between parents and adolescents with an addicted parent, fourth international conference on recent innovations in psychology, counseling and behavioral sciences**. [In Persian]
- Emery, R. E., Fincham, F. D., & Cummings, E. M. (2010). **Parenting in context: Systemic thinking about parental conflict and its influence on children**.
- Fahkhizadeh, V. (2009). **Determining the relationship between parenting practices and the amount of social anxiety in children**, Master's thesis, General Psychology, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities. [In Persian]
- Fallah, M, Soghri P, R. And Karadaghi, A. (2016). Effect of parental education on problem solving, conflict resolution, parenting styles and parent-child relationship, fourth national sustainable development conference in education and psychology, **social and cultural studies**. [In Persian]
- Gallarin, M., & Alonso, A. (2012). Parenting practices, parental attachment and aggressiveness in adolescence: A predictive model. **Journal of Adolescence**, 35(6), 1601- 1610.
- Gallarin, M., & Alonso, A. (2012). Parenting practices, parental attachment and aggressiveness in adolescence: A predictive model. **Journal of Adolescence**, 35(6), 1601- 1610.

- Ghaziasgar N.(2008). **The efficacy stress inoculation training on math and performance anxiety on fifth grade elementary students with math learning disability in Esfahan** [dissertation]. University of Isfahan. [In Persian].

- Gity Pasand, Z, Aryan, Kh; Karami, A. (2008). The Effectiveness of Solving Circuit Therapy on Reducing Parents' Contradictions in Adolescent Girls, **Iranian Journal of Consultative Research**. 7 (27): 56-60.

- Hashimi, A. & Amiri, M. (2016). **The Effect of Parent Behavioral Training on Improving Parent-Child Relationship and Parenting Techniques**, The First International Conference on Advanced Research in the Field of Educational Sciences and Psychology and Social Studies in Iran. [In Persian]

- Hemati, S. (2008). **Investigating anxiety caused by noise pollution in factories**, PhD dissertation, Islamic Azad University, Tehran South Branch. [In Persian]

- Herrenkohl, T.I., Kosterman, R., & Hawkins, J. D. (2009). Effects of Growth in Family Conflict in Adolescence on Adult Depressive Symptoms: Mediating and Moderating Effects of Stress and School Bonding. **Journal of Adolescent Health**, 44, 146-152.

- Jenkins, P. H. (2007). **Delinquent girls and the relation of the parent-adolescent relationship and peer influence to quality of decision-making**. Doctoral dissertation, University of Florida.

- Karami, Kh. (2013). **The Effectiveness of Group-Based Solution Counseling on Reducing Parents-Infants Conflict in Adolescents**, Master's Thesis for Family Counseling, Kharazmi University, Faculty of Educational Sciences and Psychology. [In Persian]

- Karmazadeh, S. Military, M. Taheri, A & Manzari Tavakoli, V. (2014). The Effectiveness of Teaching Parenting Parents on Parent and Child Conflict Resolution Strategies., **Women's Journal and Family Studies**, Vol. 6, 24,103-58. [In Persian]

- Keskin, G. (2008), Relationship between mental health, parental attitude and attachment style in adolescence. **Annual Journal of Psychiatry**. (anadolu psikiyatri dergisi), 9 (3),139- 147.

- McGinn, L. K., Cukor, D., & Sanderson, W. C. (2005). The relationship between parenting style, cognitive style, and anxiety and depression: Does increased early adversity influence symptom severity through the mediating role of cognitive style? **Cognitive Therapy and Research**, 29(2), 219-242.

- Mihalopoulos, C., Vos, T., Rapee, R. M., Pirkis, J., Chatterton, M. L., Lee, Y. C., & Carter, R. (2015). The population cost-effectiveness of a

parenting intervention designed to prevent anxiety disorders in children. **Journal of Child Psychology and Psychiatry**, 56(9), 1026-1033.

- Moradi, O. (2005). **Effectiveness of problem solving skills training on parent-child offspring in secondary school boy students in Tehran**, MSc dissertation thesis. Tarbiat Moalem University. [In Persian]

- Moradi, O. Sanei, B. (2007). Effectiveness of problem solving skills training on parent-child conflict in male high school students in Tehran, **Counseling research journal (research and consulting research)**, 5 (20), 38-23. [In Persian]

- Morgan, A. J., Rapee, R. M., Salim, A., Goharpey, N., Tamir, E., McLellan, L. F., & Bayer, J. K. (2017). Internet-delivered parenting program for prevention and early intervention of anxiety problems in young children: randomized controlled trial. **Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry**, 56(5), 417-425.

- Negreiros, J., & Miller, L. D. (2014). The role of parenting in childhood anxiety: Etiological factors and treatment implications. **Clinical Psychology: Science and Practice**, 21(1), 3-17.

- Overbeek, G., Have, M: T. (2007). Parental lack of care and overprotection. **Soc psychiatry psychiatry epidemiology**, 42, 87-93.

- Parish, S., & McCluskey, J. (1992). The relationship between parenting styles and young adults' self-concepts and evaluation of parents. **Adolescence**, 27(4), 915-918.

- Pckienner, L. & Lamet, R. (2010), Search for parenting style: across-situational analysis of parental behavior. **Genetics, social and general psychology monographs** vol. 22.

- Sanaee, B. (1999). **Family and Marriage Measurement Scales**, Tehran: Behsat Publications.

- Sanders, M. R. Matthew, Carol Markie-Daddsand. KarenM. T. turner (2010)- **Keoretica scientific and ethical foundations of the Triple P-Positive Parenting Program**. A population Approach to the promotion of parenting competence.

- Santrak, John W. (2000). **The field of psychology**. Translation: Firuz Bakhte, M. Tehran: Rasa Publication.

- Toussaint, Loren., & forgensen, Kimble iy M. (2008). Inter – parental conflict, parent child Relationship Quality, and Adjustment in Christian Adolescents: Forgiveness as a Mediating Variable. **Journal of psychology and Christianity**, 27,337-346.

- Tozandeh, M. Mirza'i, F. (2011). The Effectiveness of Parenting Techniques on Self-efficacy and Mental Health of the Humanities Students of Payame Noor University and Azad Neyshabour, **Journal of Gonabad**

**University of Medical Sciences and Health Services**, 17(2): 102-130. [In Persian]

- Van Doorn, M. E. M., Jansen, M., Bodden, D. H. M., Lichtwarck-Aschoff, A., & Granic, I. (2017). A randomized controlled effectiveness study comparing manualized cognitive behavioral therapy (CBT) with treatment-as-usual for clinically anxious children. **Journal of Clinical Trials**, 7.

- Volfradt, U., Hampel, S., & Miles J.N. (2003). "Perceived parenting styles, depersonalisation, anxiety and coping behaviour in adolescents," **Personality and Individual Differences**, Vol.34(3), pp.521-532.

- Wakimizu, R., Fujioka, H., Iejima, A., & Miyamoto, S. (2014). Effectiveness of the group-based Positive Parenting Program with Japanese families raising a child with developmental disabilities: A longitudinal study. **Journal of Psychological Abnormalities**.

- Whittingham, K., Sanders, M., McKinley, L & Boyd, R.N. (2014). Interventions to Reduce Behavioral Problems in Children with Cerebral Palsy: An RCT. **PEDIATRICS**; Volume 133, Number5, May2014. doi:10.1542/peds.2013-3620.

- Yarmohammadian, A. Ghaderi, Z. & Chavoshi, a. (2011). The Effectiveness of Parenting Skills Training on Behavioral Problems in 4-6 Years Old Children, **Quarterly Journal of Methods and Psychological Models**, Second Year, 6, 32-17.

- Zaboli, P. (2003). **Measurement of the usefulness of the show method in improving the conflict resolution skills of girls with mothers of the first year high school students in the 2nd district of Tehran**, Master's Thesis Advisor, Khatam University.

- Zwaanswijk, M., Van der Ende, J., Verhaak, P. F., Bensing, J. M. & Verhulst F. C. (2003). Factors associated with adolescent mental health: Service need and utilization. **Journal of American Academy of Child and Adolescent Psychiatry**, 42(6), 692-700.